

تنظیم خانواده در اسلام با نگاهی به قواعد فقهی

و اصول عملی

دکتر سید جواد خاتمی

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، خراسان رضوی، ایران

دکتر موسی حکیمی صدر

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، خراسان رضوی، ایران

محمد معلم بهنگی

دانش آموخته ارشد الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، خراسان رضوی، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰.۰۲.۱۵ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰.۰۹.۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱.۰۱.۲۵

۴

چکیده

افزایش نفوس و زیادی مسلمانان یک امر مطلوب و پسندیده‌ای است و زیادی آن موجب برکت و فراوانی شمرده می‌شود و کشورهای پرجمعیت کشورهای خوشبختی به حساب می‌آیند اما همین رجحان زیادی اولاد و افزایش نفوس، در سطح امت اسلامی مورد عنایت است. ولی در سطح خانواده‌ها متفاوت است ممکن است برای بسیاری از خانواده‌ها که شرایط مساعدی برای رشد و بالندگی خود و فرزندان‌شان دارند رجحان داشته باشد. چرا که دریافته‌اند که مبانی فلسفی و اوامراخلاقی و احکام فقهی شریعت اسلام با ازدیاد نسل بصورت کلی و در شرایط عادی نظر موافق دارد. و با امر به تلاش و کوشش و کسب و کار حلال خانواده مسلمان را به داشتن و پرورش اولاد بیشتر تواناتر می‌سازد. اما نسبت به بسیاری از خانواده‌ها که امکانات لازم را دارا نیستند و توانایی این را ندارند که در حد مطلوب از عهده پرورش فرزندان خود برآیند و معتقدند که تنظیم خانواده نقش بسزایی در بهبود کیفیت زندگی زنان و پرداختن به آموزش و شرکت در فعالیتهای اجتماعی و استراحت و تفریح و توجه به امور معنوی و مراقبت و رسیدگی بیشتر به فرزندان دارد. این رجحان مورد تردید و شک واقع می‌شود.

واژگان کلیدی: تنظیم، تنظیم خانواده در اسلام، قواعد فقهی، اصول عملیه.

Family planning in Islam by looking at jurisprudence and practical principles

Abstract

An increase in the number and number of Muslims is a desirable and desirable thing, and its increase is considered a blessing and abundance, and populous countries are considered to be happy countries, but the same preference for a large number of children and an increase in the number of people is provided at the level of the Islamic Ummah. But it is different at the level of families, it may be preferred for many families who have favorable conditions for the growth and development of themselves and their children, because they have found that the philosophical, moral, and jurisprudential foundations of the Islamic Sharia agree with the increase of generations in general and under normal conditions. It makes the Muslim family more able to have and raise more children by making efforts and efforts and hard work. But compared to many families who do not have the necessary facilities and do not have the ability to adequately raise their children, they believe that family planning plays a significant role. In improving the quality of life of women and paying attention to education and participation in social activities, rest and recreation, paying attention to spiritual matters and caring for children, it has more importance. This tendency is doubted.

Keywords: regulation, family regulation in Islam, legal rules, practical principles.

مقدمه

مسئله تنظیم خانواده از دو نگاه درخور توجه است که اهمیت پژوهش را روشن تر می‌سازد. نخست از نقطه نظر ملی و حتی جهانی و بین‌المللی، بدین معنا که بدانیم موضوع تنظیم خانواده چگونه به وجود آمده و دلیل پیدایش آن چیست. با نگاهی به مباحث مطرح در علوم مربوط به جمعیت و آمارها یی که در خصوص روند رشد جمعیت منتشر شده است دانشمندان نظریات مختلفی را در طول ادوار بیان کرده‌اند. عده‌ای نگران رشد بی‌رویه جمعیت هستند و برای برطرف کردن این نگرانی، راه‌حلهایی برای مبارزه با روند رشد جمعیت پیشنهاد می‌کنند. و عده‌ای دیگر رشد جمعیت را یک روند طبیعی برای انسان می‌دانند و راه‌حل مشکلات پدید آمده از رشد جمعیت را در جاهای دیگر بررسی می‌کنند. همه نقطه نظرات و اختلاف‌ها حول این محور بوده و هست که رقم جمعیت چه تأثیری در اوضاع اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی و رفاه مردم دارد.

زمانی طولانی افزایش جمعیت مورد نظر بود و زیادی آن، موجب برکت و فراوانی شمرده می‌شد. و کشورهای پرجمعیت و خانواده‌های این‌چنینی، کشورها و خانواده‌های خوشبختی به حساب می‌آمدند، که از سوی حکومت‌ها زادوولد بیشتر تشویق و ترغیب می‌شد این عقیده تا پایان قرن هیجدهم عقاید رایج بود ولی پس از اشاعه عقاید یکی از دانشمندان انگلیسی، به نام توماس رابرت مالتوس بدبینی خاصی پدیدار شد، زیادی جمعیت را دلیل فقر، فساد اخلاق و بدبختی انسان‌ها قلمداد کردند و حتی از امکان نابودی و نیستی بشریت سخن گفتند.

دانشمندان جمعیت‌شناس معتقدند که بین سال‌های هزار و نهصد و شصت تا سال دوهزار میزان ازدیاد جمعیت طی چهار دهه از کل جمعیت کره زمین طی قرن‌ها از بدو پیدایش بیشتر بوده است. (مقدمه دکتر حسین پیرنیا درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریات نظریه‌های جمعیت‌شناسی احمد کتابی صفحه ۲۰)

در ریشه‌یابی این رشد جمعیت این مطلب آشکار است که دو متغیر جمعیتی یعنی باروری و مرگ‌ومیر نقش عمده‌ای در افزایش جمعیت جهان و بطور اخص ایران دارد. تا همین سال‌های اخیر زیادی باروری با زیادی مرگ‌ومیر بی‌اثر می‌شد. اما احاطه انسان بر قحطی‌ها و بیماری‌ها و به وجود آمدن رفاه نسبی، در تاریخ رشد جمعیت بشر، نقش بسزایی ایفا کرده است. به طوری که امروزه زیادی جمعیت معضلی برای کشورها، مخصوصاً کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه شده است از یک سو رشد شتابان جمعیت و از سویی دیگر، کمبود امکانات و منابع برای سرمایه‌گذاری جهت تسریع در روند توسعه و پیشرفت، کشورها کنترل جمعیت را یا به تعبیر

کامل‌تر تنظیم خانواده را به‌عنوان یک راه‌حل در جهت کنترل جمعیت در پیشبرد توسعه پذیرفته‌اند.

نگاه دوم، نگاه به مجموعه خانواده است، با ارتقاء سطح بهداشت جسمی و روانی خانواده، مخصوصاً زن، که تقریباً نیمی از جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد از جمله اهداف تنظیم خانواده است. تنظیم خانواده نقش بسزایی در بهبود کیفیت زندگی زنان، افزایش اوقات فراغت آن‌ها، برای پرداختن به آموزش، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، استراحت و تفریح و پرداختن به امور معنوی و عبادت و مراقبت و رسیدگی بیشتر به فرزندان، که در سایه آن کلیه شئون اقتصادی، اجتماعی سیاسی، فرهنگی و تربیتی، کشور تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. اینها همه زمانی است که شرایط فکری، فرهنگی و اقتصادی مردم، مخصوصاً در کشور ما با گذشته فرق های زیادی کرده است.

در گذشته، خصوصاً در دوره قبل از انقلاب اسلامی تعداد کمی از دختران این کشور مشغول تحصیل بودند و بالطبع قشر عظیمی از جامعه از دخالت در کارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بدور بودند ولی اکنون به برکت انقلاب اسلامی خیل زیادی از دختران و زنان این کشور در مدارس، دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات و نهادها و ادارات کشور مشغول تحصیل و خدمت هستند بنابراین امر تنظیم خانواده خودبه‌خود ذهن بسیاری از مردم را به خود جلب می‌کند. اینان مسلمانان متعهدی هستند از یک طرف می‌بینند تنظیم خانواده، ناجی و بهبود بخش زندگی است، تاثیر بسزایی بر کیفیت زندگی سلامت خانواده، بهرمنند شدن از سطح زندگی بالا در درون خانواده و استفاده بهتر از توانایی‌های اعضای خانواده، مشارکت بهتر و فعال‌تر در امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خصوصاً کسب و فراگیری دانش دارد. متقابلاً دریافته‌اند که مبانی فلسفی و عوامل اخلاقی و احکام فقهی شریعت اسلام، با ازدیاد نسل نظر موافق دارد قرآن کریم با بشارت (نحن نرزقکم) انعام‌ایه ۱۵۰ انسان را به تأمین روزی از جانب قادر متعال مطمئن ساخته و او را از نگرانی املاق رهاییده است. مزمت ثروت‌اندوزی (توبه‌ایه ۳۴) و نهی از تجمل، اسراف و تبذیر (اعراف‌ایه ۳۱) و منع آلودگی‌ها و بی‌بندوباری‌های اخلاقی و جنسی (بقره‌ایه ۶۰) از یک طرف و امر به سعی و کوشش و کسب‌وکار حلال از طرف دیگر خانواده مسلمان را به داشتن و پرورش اولاد بیشتر توانا تر می‌سازد. (درآمدی براندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی ص ۲۶) اینجاست که انسان مسلمان بر سر دوراهی قرار می‌گیرد و دچار تردید و شک می‌شود. بنابراین وظیفه داریم، روشن کنیم که تنظیم خانواده در قالب کدام یک از احکام الهی می‌گنجد و مشروعیت و مشروعیتش را از لابه‌لای احکام و دستورات دین بیابیم نکته‌ای که در این نوشتار قابل دقت است این‌که آنچه در این

نوشتار درصدد تبیین آن هستیم تنظیم خانواده در چارچوب زندگی شخصی و فردی است با نگاه به قواعد فقهی و اصول عملیه اسلام.

۱- قواعد فقهی

الف) قاعده اصله الاباحه (مختلف الشیعه جلد ۷ صفحه ۱۱۲ علامه حلی مکتب الإعلام الاسلامی ۱۳۱۷)

نخست این قاعده را معنا و جایگاه آن را در فقه بیان می‌کنیم و سپس استفاده از آن را در موضوع تنظیم خانواده توضیح می‌دهیم. هر گاه در حلال یا حرام بودن عمل یا چیزی تردید کنیم اصل اباحه جاری می‌شود و می‌گوید حلال است و عمل به آن جائز است. مثل این که حرمت استعمال دخانیات و شرب توتون را ندانیم در قرآن کریم و روایات هم‌ایه یا روایتی بر حرمت آن نیافتیم، این جا اصالت الاباحه و اصالت الحلیه جاری می‌شود و حکم به جواز آن می‌دهد. با توجه به مستندات اصالت الاباحه (انوار الاصول ناصر مکارم شیرازی چاپ اول ۱۴۱۶) این قاعده هم شامل شبهات حکمیه می‌شود هم موضوعیه، این که حکم مسئله برای مکلف مجهول است منشأ آن، یا عدم بیان، از طرف شارع است یا این که بیان از طرف شارع وجود دارد به عللی برای مکلف اجمال حاصل شده و مبهم است یا این که بین ادله تعارض است.

در مورد بحث اصل تکلیف و حکم تنظیم خانواده برای متشرع ابهام و اجمال دارد نه ازین جهت که از طرف شارع بیانی نرسیده بلکه روایات متعددی است در جهت مخالفت با تنظیم خانواده و کنترل نسل که حداقل آن این است که کثرت اولاد و به وجود آوردن فرزند زیاد، مستحب است. از طرفی روایات دیگری است که نقطه مقابل آن روایات است و موافقت خودش را با تنظیم خانواده و کنترل نسل بیان می‌کنند این است که برای مکلف اجمال به وجود می‌آورد و موجب ابهام حکم و اصل تکلیف می‌شود مبنی بر این که آیا تنظیم خانواده و کنترل نسل جایز است یا جایز نیست اصالت الاباحه می‌گوید اصل اولیه در هر چیز اباحه و جواز است بنابراین اصل اباحه می‌تواند یکی از مستندات و دلایل تنظیم خانواده باشد.

ب) قاعده نفی عسر و حرج

گاهی چنان عرصه زندگی بر آدم تنگ می‌شود و فشارهای روحی و جسمی انسان را در تنگنا قرار می‌دهد، که همه چیز از انسان سلب می‌شود در انجام تکالیف الهی با مشقت و سختی روبرو

می‌شود، که قدرت انجام آن را ندارد باید دید در این موارد قاعده عسر و حرج می‌تواند کارساز باشد یا خیر.

معنی عسر، حرج و رفع

از جستجو در کلمات اهل لغت چنین برمی‌آید که حرج به معنای تنگنایی و ضیق است. (لسان العرب ماده حرج)

معنی عسر: عسر به معنی تنگنایی و شدت و سختی است و ضد یسر است. (القواعد الفقهیه ناصر مکارم صفحه ۱۷۶) سیجعل الله بعد عسر یسری (طلاق‌ایه ۷) یعنی خداوند بزودی پس از سختی آسانی قرار می‌دهد یا فان مع العسر یسری ان مع العسر یسری سوره (شرح‌ایه ۵) همانا با سختی دو آسانی است. **معنی رفع:** رفع در لغت ضد وضع است رفع شی بدین معناست که آن را از جای خودش بردارند به گونه‌ای که در آنجا موجود نباشد. پس رفع حرج در لغت به معنی برطرف نمودن تنگنایی و دشواری است، به نحوی که وجود نداشته باشد. (لسان العرب ماده رفع)

رفع حرج در اصطلاح فقها

رفع حرج در اصطلاح فقها به معنی آسان گرفتن بر مکلفین است به وسیله خطابات، به منظور دور نمودن سختی و تنگنایی از ایشان در تکالیف شرعی. ای ه ۷ سوره مائده اشاره دارد ما یرید الله لیجعل علیکم فی الدین من حرج یعنی خداوند نمی‌خواهد که شما را در تنگنایی قرار دهد یا ای ه ۷۷ سوره حج و جاهدوا فی الله حق جهاده واجتبا کم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج (چنان‌که باید در راه خدا تلاش کنید او شما را از بین امم برگزید خداوند برای شما در دین هیچ‌گونه حرجی قرار نداده) یعنی بر شما آنچه را که شما را در تنگنایی و دشواری واقع سازد واجب نکرده است.

کاربرد و زمینه اجرای قاعده لاحرج

انواع و اقسامی که برای قاعده متصور است چهار قسم است که یک مورد آن به محل بحث مربوط است

۱- عسر و حرج به معنی انجام عمل در حدی که از توان مکلف خارج است و انسان قادر به انجام دادن آن نیست مثل پرواز انسان در حالت عادی به آسمان. (فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول صفحه ۲۷۷)

۲- عسر و حرج در حدی است که انجام دادن و عمل و تکلیف موجب اختلال نظام است.

۳- کارها و تکالیفی که انجام آن موجب ضرر و زیان مالی جانی و یا عرفی بر مکلف است

۴- کارها و اعمالی که با مشقت و سختی همراه است و انسان را در تنگنا قرار می‌گیرد.

مرکز بحث در قاعده لاحرج قسم چهارم از اقسام فوق‌الذکر است یعنی افعال حرجیه‌ای که به حد مالایطاق نرسد و موجب اختلال نظام نشود و دربرگیرنده ضرر نیز نباشد. صرفاً اعمالی که انسان در انجام آن‌ها متحمل سختی و مشقت شود، که عرفاً تحمل آن سخت و رنج‌آور باشد.

استفاده از دلیل لاحرج در جهت تنظیم خانواده

اگر برای ما اثبات شد که کثرت اولاد یک تکلیف است در حد استحباب، چون هیچ فقهی نگفته است که زیاد کردن اولاد بر هر فرد مسلمان واجب است و یک تکلیف الزامی است، سوال این است که آیا دایره قاعده عسر و حرج شامل احکام مستحبی هم می‌شود؟ به فرض این که قاعده مشمول مندوبات هم بود شارع ما را به‌عنوان یک امر مندوب امر می‌کند که به دنبال کثرت اولاد بروید، از طرفی زیادی فرزند موجب عسر و حرج است، درحال حاضر شرایط زندگی مردم طوری است که توانایی داشتن فرزندان زیاد و بیش از متعارف را ندارند.

زیرا اگر بخواهند فرزندان ایده‌آل که مورد نظر اسلام است داشته باشند باید شرایط زندگی مساعدی داشته باشند که از عهده تربیت و مخارج آن‌ها برآیند. با شرایط معیشتی سختی که امروز بر زندگی مردم حاکم است، اگر بخواهند فرزندان زیادی داشته باشند و آن‌ها را با شرایط خوب و دستورات اسلام جهت رعایت بهداشت و تغذیه کامل و برخورد محبت‌آمیز و پر از صفای پدر و مادر با کودک و فراهم کردن زمینه رشد فکری و تکامل علمی و سرمایه‌گذاری فوق‌العاده برای فرزندان تا رسیدن به این حد از بلوغ علمی، بدون شک دچار سختی و تنگنای طاقت‌فرسایی می‌شوند. اگر شبانه‌روز را هم کار کنند نمی‌توانند این‌گونه شرایط را فراهم کنند، بلی مگر انسانی باشد، که وظیفه‌اش، صرفاً به دنیا آوردن فرزندان باشد و غذای بخور و نمی‌ری برای آن‌ها فراهم کند و بعد از آنکه توانستند گلیم خود را از آب بیرون بکشند آن‌ها را رها کنند به تربیت و رشد

علمی آن‌ها کاری نداشته باشند که البته اسلام چنین کثرتی را انتظار ندارد. از طرفی اگر قرار باشد مادری هر دو سال یکبار فرزندی به دنیا آورد زندگی برای او سخت و ضیق خواهد شد اینجاست که قاعده لا حرج بر آن حکم ندبی حاکم می‌شود و تعداد فرزندان را تا آنجا که موجب عسر و حرج نشود و بتواند از عهده مسئولیت آن‌ها برآید در سطح متعارف و متعادل تعیین می‌کند.

قاعده لا ضرر ولا ضار:

یکی دیگر از قواعدی که فقها آن را در جای فقه به کار برده‌اند و می‌برند و مورد استفاده علمای اسلامی واقع می‌شود قاعده لا ضرر ولا ضار است که این قاعده در روایتی از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در قضیه سمره بن جندب روایت شده در حد تواترین روایت بین سنی و شیعه مورد استناد قرار گرفته است (کفایه الاصول، جلد ۲، صفحه ۲۶۵ و مصباح الاصول ص ۵۱۸) از بررسی کلمات اهل لغت بدست می‌آید که ضرر خلاف یا ضد نفع است (القواعد الفقیه صفحه ۵۰ ناصر مکارم) برخی آن را معادل ضیق معنا کرده‌اند لا ضرر یعنی هیچ تنگنایی وجود ندارد یعنی هیچ حکمی که انجام آن ضرر و تنگنایی برای مکلف در برداشته باشد وضع نشده است

اما ضرار

کلمات فقها در این خصوص متفاوت است فشرده سخن این‌که، از آنجایی که ضرار مصدر باب مفاعله است و این باب مبین اعمال طرفینی است. بنابراین ممکن است منظور از ضرار ورود ضرر از دو جانب باشد. ولی مرحوم آخوند می‌گوید ضرر و ضرار هر دو به یک معناست و ضرار تاکید ضرر است. (کفایت الاصول جلد ۲ صفحه ۲۶۶) و برخی این دو را به یک معنا گرفته‌اند و با یک تفاوت اندک و آن این‌که، غالب استعمالات، ضرر مالی یا جانی است ولی کاربرد ضرار، در تضییق، اهمال، حرج، سختی و کلفت، شایع است. (تهذیب الاصول جلد ۳ صفحه ۹۴)

و همین طور از بررسی کتب فقه و اصول به دست می‌آید که، ضرر، ممکن است از ناحیه دیگری باشد، یا از ناحیه خود انسان، همین طور مراد از ضرار در روایت رفتار و عمل مکلف است و نفیی که بر فعل مکلف وارد شده ظهور در حرمت آن دارد و در نتیجه مفاد قسمت دوم روایت، تحریم زیان رساندن، می‌باشد و زیان رساندن فراگیر است و موردی را که ضرر از جانب مکلف بر خودش وارد شود نیز، در بر می‌گیرد لازم به ذکر است که جمله لا ضرر تنها بر نفی ضرر در چارچوب قوانین شرعی دلالت دارند و برگشت این قاعده بر نفی احکامی است که مستلزم

ضرر باشد، نظیر وضو یا هر چه ضرری، لیکن بر حرمت تحمل ضرر دلالت ندارد (فقه اهل بیت شماره ۸ زمستان ۱۳۷۵ محمد مؤمن)

وجه استدلال

سخنی که این جا قابل طرح است این است، که می توان از این قاعده به این شکل استفاده کنیم، که اگر بارداری برای زن ضرر و زیان داشته باشد، مثل این که ناراحتی قلبی دارد که طبق تشخیص پزشک حامله شدن بیماری او را تشدید می کند و زن را در مرحله خطر قرار می دهد، بگوییم قاعده لاضرر و لا ضرار استحباب زاد و ولد یا اباحه آن را برمی دارد و حامله شدن را برای او حرام می کند و راه های جلوگیری را بر او واجب می گرداند. البته قابل ذکر است که بگوییم کاربرد این قاعده در رابطه با روش های پیشگیری از حامله شدن زن است که از روش های پیشگیری این است که زن یا مرد خودش را به خاطر تنظیم خانواده عقیم کند این عقیم سازی یا مشمول قاعده لاضرر و لا ضرار قرار می گیرد یا نه آیا انسان حق دارد عضوی از بدن خودش را از بین ببرد به طوری که قابل جبران نباشد، که برخی این نوع عقیم سازی را برای مرد یا زن حرام دانسته اند.

زیر این عمل از مصادیق ضرر زدن به نفس است، که از محرمات شرعی است. البته عمومیت حرمت ضرر زدن به نفس به گونه ای مطلق از نظر شرعی روشن نیست همچنین عمل عقیم سازی به عنوان نمونه ای از این عموم نیز قطعی نیست (فقه اهل بیت شماره ۸ محمد مؤمن)

(د) اصالة البرائة

اصل دیگری که می تواند بر آن در جهت تنظیم خانواده استدلال کرد اصل برائت است که یکی از اصول عملی اسلام است و آن در مواردی جریان دارد که مکلف نسبت به اصل تکلیف تردید داشته باشد پس در موضوع اصل برائت شک در تکلیف اخذ شده است. شک و تردید مذکور یا وجوبی است و یا تحریمی هر یک از آن ها یا حکمیه اند یا موضوعیه.

شبهه حکمیه: در جایی که حکم یک موضوع نامشخص باشد به آن شبهه حکمیه گویند مثل این که نمی دانیم سیگار کشیدن حرام است یا خیر

شبهه موضوعیه: هر گاه حکم کلی یک موضوع مشخص باشد ولی تردید در موضوع خاص پیدا شده باشد به آن شبهه موضوعیه گویند. مثل این که معلوم است شرب مشروبات الکلی حرام است،

اما نمی‌دانیم این مایع مقابل من، مایع است یا جزء مشروبات الکلی است (فرائد الاصول چاپ اول ۱۳۷۵ جلد ۱ صفحه ۳۷۹)

در هر صورت شک در حکمیه یا موضوعیه یا شک در وجوب است یا حرمت و در تعیین وجوب یا حرمت، علت شک یا فقدان نص است و یا اجمال نص و یا تعارض نصوص، در نتیجه صور شک هیچ‌ده عدد می‌شود. که درشش صورت آن (مواردی که علم اجمالی به اصل تکلیف باشد) اصالت التاخیر جاری است و دوازده مورد دیگر جای اصاله البرائه است.

مهم‌ترین موارد جریان اصل برائت عبارت است از:

۱- شبهه حکمیه تحریمیه بعلت فقدان نص و نبودن دلیل مثل این که نمی‌دانیم سیگار کشیدن حرام است یا نه چون دلیل بر حرمت و یا عدم حرمت نداریم.

۲- شبهه حکمیه تحریمیه بعلت اجمال نص

۳- شبهه موضوعی تحریمیه مثل این که دلیل می‌گوید فحاح حرام است و می‌دانیم که ما ئ الشعیر همان فحاح است. اما تردید، در این است که مایع موجود همان مال الشعیر است یا خیر؟

۴- شبهه حکمیه وجوبیه بعلت فقدان نص، مثل این که نمی‌دانیم آیا صدقه دادن در اول هر ماه واجب است یا خیر؟

۵- شبهه حکمیه وجوبیه بعلت اجمال نص، مثل این که نمی‌دانیم غسل جمعه واجب است یا مستحب چون شک داریم آیا هیأت امر دلالت بر وجوب می‌کند یا استصحاب

۶- شبهه موضوعیه یا وجوبیه مثلاً می‌دانیم احترام گذاردن به دانشمندان واجب است اما نمی‌دانیم حسن دانشمند است یا خیر؟

به نظر می‌رسد که مورد بحث ما از قبیل قسم اول باشد یعنی شبهه حکمیه تحریمیه چه از نوع برائت شرعی باشد و یا عقلی. زیرا تنظیم خانواده به عنوان یک تکلیف، حکمش بعلت نبودن دلیل و فقدان نص برای ما مجهول است، که آیا حرام است یا غیر حرام زیرا هیچ دلیلی بر حرمت تنظیم خانواده وجود ندارد و دلایل ذکر شده در باب تشویق و تأکید بر ازدواج و زیادی نسل نمی‌تواند دلیل حرمت تنظیم خانواده باشد بعلاوه حلال بودن عزل بر اساس روایات جواز عزل و سایر روایاتی که قبلاً ذکر شد می‌تواند دلیل بر تنظیم باشد و مقابله می‌کند با دلایل ذکر شده در باب تشویق بر ازدیاد نسل، به فرض که این حلیت عزل و سایر روایاتی که دال بر قلت عایله و فرزندان

بود ثابت نشود و نارسا باشد باز حکم مسئله به شکل مشکوک باقی می‌ماند و اصل شرعی در این جا براءت از حکم تکلیف الزامی است و اصالت البرائه در این جا عرض اندام می‌کند و به عنوان یک دلیل قابل طرح است.

نتیجه گیری:

از آنچه تاکنون ذکر شد با توجه به آیاتی که از قرآن در جهت حمایت از تنظیم خانواده بیان شده است و همینطور روایاتی که دلالت بر جواز (عزل) می‌کند و نیز روایات و احادیثی که قلت اولاد را ستایش می‌کند و با عنایت به فتاوی فقها و مراجع اعظام در رساله‌های عملیه علی‌رغم تأکیدها و سفارش‌های مکرر در رابطه با افزایش نسل واجب نبودن آن مسلم و بی‌تردید است بلکه برای انسان جایز است که بطور کلی از داشتن فرزند خودداری کند و یا به هر تعداد که می‌خواهد فرزند داشته باشد و اسلام همیشه و در همه مراحل زندگی، طرفدار اعتدال و میانه‌روی است و از افراط و تفریط، بشدت نکوهش کرده است بنابراین ممکن است خانواده‌هایی توانایی داشتن فرزندان متعدد باشند و از عهده تربیت آن‌ها برآیند، بدون شک برای آن‌ها چه نیکوست که هرچه بیشتر فرزند، داشته باشند فرزندان صالح، پاک دانشمند و آراسته به ارزش‌های انسانی و الهی و خانواده‌ها زیادی هستند که از عهده فرزندان متعدد، بر نمی‌آیند عقل سلیم و رهنمودهای معصومین آن‌ها را ارشاد می‌کند که در حد توان خود دست به تولید فرزند بزنند.

منابع و مأخذ

- الکرکی علی بن الحسین ۱۴۱۱ جامع المقاصد فی شرح القواعد مؤسسه آل البیت. -
- آخوند خراسانی کفایت الاصول جلد صفحه ۲۶۵ و ۲۶۶.
- الموسوی الخوئی ابوالقاسم ۱۴۱۷ مصباح الاصول مکتبه الراوری.
- بهنام جمشید جمعیت شناسی عمومی ۱۳۴۶.
- سبحانی جعفر تهذیب الاصول جلد اسماعیلیان.
- صانعی سیدمهدی ۱۳۷۸ پژوهشی در تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد.
- قائمی علی تشکیل خانواده در اسلام نشر دانش اسلامی بی‌تا.
- کتابی احمد ۱۳۷۷ درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی.

- مکارم شیرازی ناصر ۱۴۱۶ انوار الاصول مدرسه الامام امیرالمؤمنین.
- پارسا، علیرضا، فرهنگ حقوق بین الملل، نشر قومس، ۱۳۹۵.
- جعفری تبریزی، محمد تقی، تکاپوی اندیشه ها، ۱۳۹۶.
- جوادی آملی، عبد الله، فلسفه حقوق بشر، اسرا، ۱۳۷۵.
- درمنیتل ویر، پیام یونسکو، اقلیت چیست، ترجمه محمد پوینده، دوره ۲۴، نشر ۲۷۷، تیرماه ۱۳۷۲
- ذوالعین، نادر، مقاله حمایت از حقوق اقلیتها در حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۸۷.
- عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیتها براساس قانون قرارداد ذمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، پاییز ۱۳۹۳.
- قزوینی، علی، مبانی نظری تفاهم اسلام و غرب، مجله سیاست خارجی، سال دهم، شماره ۹، ۱۳۹۵.